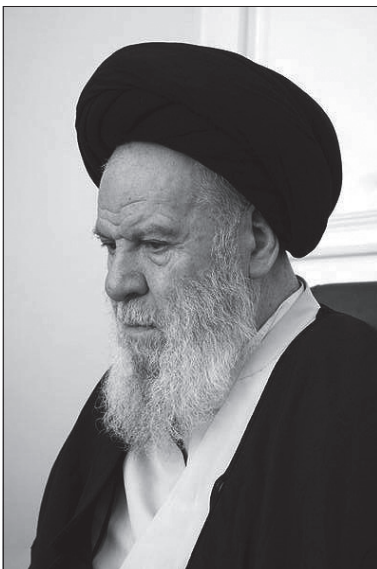


درگذشتگان

ناصرالدین انصاری

آیت‌الله موسوی اردبیلی

حضرت آیت‌الله العظمی آقای حاج سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، یکی از مراجع تقلید حوزه علمیه قم به شمار می‌رفت. معظم له در سحرروز ۱۳ رجب ۱۳۴۴ ق (۸ بهمن ۱۳۰۴ ش) در اردبیل زاده شد. پدرش مرحوم حجت‌الاسلام سید عبدالرحیم اردبیلی بود که این فرزند، تنها پسر و نهمین فرزند وی بود. در دو سالگی مادرش را از دست داد و گرد یتیمی بر سرش نشست، اما با کوشش و تلاش خویش دروس آغازین را در مکتب‌خانه فراگرفت و در سال ۱۳۵۸ ق (۱۳۱۸ ش) به تحصیل علوم دینی روی آورد و ادبیات را آموخت. در سال ۱۳۲۲ ش رهسپار حوزه علمیه قم شد و سطوح عالی را نزد حضرات آیات: حائری یزدی و سلطانی طباطبایی (رسائل)، گلپایگانی و خوانساری (کفایه و مکاسب)، محمدحسین طباطبایی (تفسیر و اسفار)، شیخ محمد مهدی امامی مازندرانی (شرح منظومه) آموخت و همزمان به تدریس سطوح (شرح لمعه و معالم و قوانین) و مباحثه با آیات: شبیری زنجانی و موسی صدر پرداخت. در سال ۱۳۲۶ ش رهسپار حوزه علمیه نجف گردید و به دروس خارج آیات عظام: سید عبدالهادی شیرازی، آقای حکیم و بیش از همه آقای خویی حاضر شد و مورد توجه معظم له قرار گرفت و شرح منظومه را هم نزد مرحوم شیخ صدر با کوبه‌ای تکمیل کرد و همزمان به قم بازگشت و به تدریس و تقریر دروس آیات عظام: حکیم و خویی پرداخت. وی پس از دو سال اقامت، در سال ۱۳۲۸ ش به قم بازگشت و به دروس آیات عظام: آقای بروجردی، خوانساری، حجت کوهکمری، امام خمینی، محقق داماد، گلپایگانی، مرعشی نجفی و علامه طباطبایی حاضر شد و مبانی علمی‌اش را استوار ساخت و همزمان به تبلیغ دین و تدریس سطوح عالی و مباحثه تفسیر با حضرات: شهید مرتضی مطهری و شهید بهشتی پرداخت. نیز با همفکری و همکاری حضرات آیات: مکارم شیرازی، سبحانی، سید موسی صدر، علی دوانی و مجدالدین محلاتی مجله «درس‌هایی از مکتب اسلام» را تأسیس کرد و در آن چند مقاله نگاشت. در سال ۱۳۳۹ ش رهسپار اردبیل شد و در مسجد «میر صالح» به اقامه جماعت و وعظ و ارشاد و تفسیر قرآن و تدریس سطوح عالی و خارج فقه و اصول و تأمین شهریه طلاب و رسیدگی به نیازمندان و اعزام مبلغان به روستاهای اطراف پرداخت. وی در سال ۱۳۴۷ ش به تهران آمد و با اقامه جماعت در مسجد امیرالمؤمنین (ع) و تدریس خارج فقه و اسفار،



اصول الفقه
اخلاق اسلامی
اقتصاد اسلامی (۴ ج)
الرسائل الفقهية

تقریرات درس معظم له (نکاح، طلاق، امر به معروف و نهی از منکر)

وجودش برکتی در حوزه علمیه قم بود. درس و دفترش و اخلاقش امید و ملجأ طلاب و فضلاء حوزه علمیه قم بود و با رفتنش ثلمه‌ای در پیکردین و رخنه‌ای در حوزه علم و فقاهاست پدید آمد. وی در واپسین سال‌های زندگی‌اش از مردم حلالیت طلبید و عذرخواهی کرد و در درس خارج خویش فرمود:

می‌خواهم از این فرصت استفاده کنم و خطاب به ملت شریف ایران، به خانواده‌های شهدا، به جانبازان، به همه کسانی که زحمت کشیده‌اند عرض کنم ما خیرخواهانه پا در این راه گذاشتیم، اما شاید کوتاهی کرده‌ایم، شاید غفلت کرده‌ایم. اگر مشکلات و نارسایی‌هایی که هست به من مستند است از همه عذر می‌خواهم، ما دل‌مان می‌خواست و می‌خواهد که ملت ما سربلند باشند، اخلاق و ایمان در میان جامعه ما رونق داشته باشد. ملت ما خوب زندگی کنند. اگر بنده کاری کرده‌ام که نباید می‌کردم یا ترک فعلی کرده‌ام که باید انجام می‌دادم از همه عذر می‌خواهم از همه حلالیت می‌طلبم. من از کارهای کرده و نکرده خودم نگرانم. اگر همه ما درست عمل کرده بودیم، وضع این نبود، ولی گمان می‌کنم همه ما همه مسئولین، از سابق تا کنون باید از مردم عذرخواهی کنیم. ضرورت این کار البته برای مسئولینی که در لباس روحانیت‌اند بیشتر است.

مرحوم، در ۹۱ سالگی در روز سه‌شنبه ۲ آذر ۱۳۹۵ (۲۲ صفر الخیر ۱۴۳۸ ق) چشم از جهان فرو بست و به دنبال وفاتش دو روز عزای عمومی در کشور اعلام گردید. پیکر پاکش با حضور هزاران نفر از مردم و روحانیت و علما و مسئولین نظام، صبح روز جمعه ۵ آذر (۲۵ صفر) تشییع و پس از نماز حضرت آیت‌الله شبیری زنجانی در مسجد بالاسر حرم مطهر حضرت معصومه به خاک سپرده شد و در غم فقدانش پیام‌های تسلیت فراوان از سوی مراجع معظم تقلید و مسئولین نظام صادر و مجالس بزرگداشت وی در شهرها و کشورهای مختلف برگزار گردید.

مقام معظم رهبری فرمود:

بسمه تعالی

فقیه و عالم بزرگوار مرحوم مغفور آیت‌الله حاج سیدعبدالکریم موسوی اردبیلی رحمت‌الله علیه دار فانی را وداع گفته و به لقاءالله پیوستند. این ضایعه را به خاندان گرامی و فرزندان محترم و همه شاگردان و ارادتمندان و مقلدان ایشان تسلیت عرض می‌کنم.

به تأسیس «مؤسسه خیریه مکتب امیرالمؤمنین» و کانون توحید و مدارس مفید (راهنمایی و دبیرستان) و تشکیل کلاس‌های علمی و عقیدتی برای جوانان پرداخت و در طول نهضت اسلامی ایران، یکی از پیشگامان انقلاب و از مؤسسان «جامعه روحانیت مبارز» و از حامیان عمده امام خمینی در تهران بود. وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی یکی از ارکان نظام و بازوان پرتوان امام خمینی بود و مناصب متعدد را پذیرفت. سوابق دیگر او عبارتند از: عضویت در شورای انقلاب، جامعه روحانیت مبارز، مجلس خبرگان رهبری (دوره اول)، شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی، جامعه الزهرا، شورای عالی قضایی، هیئت بازنگری قانون اساسی، هیئت مدیره دانشگاه آزاد اسلامی، مجمع تشخیص مصلحت نظام، ستاد پیگیری فرمان امام و نیز دادستانی کل کشور، ریاست دیوان عالی کشور و امامت جمعه موقت تهران و سپس ریاست قوه قضائیه (به حکم امام). او پس از رحلت امام در سال ۱۳۶۸ به قم بازگشت و به عنوان یکی از مراجع تقلید شیعه مطرح شد و به تألیف و تدریس و تأسیس دانشگاه مفید و افتاء و مرجعیت شیعه پرداخت.

تألیفات آن مرحوم عبارتند از:

الف) کتاب‌های چاپی

توضیح المسائل

مناسک حج

استفتائات

نهج الرشاد

جمال ابهتی (ردّ بهائیت)

تفسیر قرآن (مقالاتی در مجله «نامه مفید»)

فقه القضاء (۲ ج)

فقه الحدود و التعزیرات (۴ ج)

فقه القصاص

فقه الديات

فقه المضاربة

فقه الشركة و التأمين

الحاشية على العروة الوثقى (۲ ج)

ره‌توشه بانوان

در پرتو وحی (۲ ج) - مقالات تفسیری و قرآنی

همپای انقلاب (خطبه‌های نماز جمعه تهران)

مقالات و مصاحبه‌ها

ب) کتاب‌های غیرچاپی

تقریرات دروس آیت‌الله حکیم

تقریرات دروس آیت‌الله خوبی

حاشیه بر خیارات مکاسب

کشور اعلام می‌نمایم و از درگاه خداوند متعال برای ایشان، علو درجات و تنعم در جوار ائمه معصومین (علیهم السلام) و برای عموم بازماندگان صبر و اجر مسألت داریم.

حسن روحانی - رییس جمهوری اسلامی ایران

حجت الاسلام و المسلمین هاشمی رفسنجانی هم نوشت:

رحلت همسنگر سال‌های مبارزه و همکار در مسئولیت‌های خطیر پس از پیروزی انقلاب، شادروان حضرت آیت‌الله حاج سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، باعث تأسف و تألم شدید خاطر گردید.

شخصیتی که از بدو ورود به حوزه علمیه قم در سال ۱۳۲۷ هجری شمسی، او را به حسن سلوک و اخلاق شناختم که به عنوان طلبه‌ای فاضل از حوزه علمیه نجف برای ادامه تحصیل، تدریس و تبلیغ تعالیم متعالی دین اسلام و مکتب تشیع به قم آمده بود و از همان نخستین سال‌های حضور در حوزه علمیه، مشغول کارهای سیاسی و فرهنگی مهم شده بود.

احساسات جوانی و شور انقلابی و درک و ایمان به حقانیت راه امام راحل در نهضت روحانیت، هر دوی ما را از نخستین روزهای شروع مبارزه در یک مسیر قرار داده بود.

این عالم وارسته از سال ۱۳۴۷ که به خاطر شرایط سخت سیاسی و امنیتی مجبور به مهاجرت تهران شده بود و همکاری‌ها وارد مرحله نوینی شد که تا آخرین روزهای مبارزه نیز ادامه داشت، به گونه‌ای که روز ورود امام عزیز به کشور، وقتی ماجرای ناپیدایی امام (ره) از بهشت زهرا در خبرهای آمد، به همراه شهید دکتر بهشتی و شهید دکتر باهنر به منزل ایشان در حوالی میدان توحید رفته بودیم و از آنجا مسائل را بررسی می‌کردیم.

روحیه خیرخواهی آیت‌الله اردبیلی که ریشه در روحیات آباء و اجدادی‌شان مخصوصاً پدر بزرگوارشان، مرحوم سید عبدالرحیم داشت، ایشان را به سوی تأسیس مؤسسه خیریه مکتب امیرالمؤمنین (ع) هدایت کرد که مساجد، مراکز فرهنگی، مدارس، دبیرستان‌ها و حتی تأسیس و مدیریت دانشگاه دارالعلم مفید نتیجه آن روحیه است.

با پیروزی انقلاب، با همه علاقه و توانایی‌هایی که برای تدریس و آفرینش آثار فقهی و دینی داشت، به خاطر نیاز انقلاب و مردم، مشتاقانه در سنگرهای حساس و مهم سیاسی و قضایی و تقنینی گوناگون خدمت کرد که اوج حضور مؤثرشان، بعد از شهادت آیت‌الله دکتر بهشتی در قوه قضائیه بود که تا سال‌ها از جایگاه این قوه دفاع می‌کرد و به آن اعتبار می‌بخشید.

پس از رحلت امام (ره) وقتی تصمیم به مراجعت به حوزه علمیه قم

ایشان علاوه بر تلاش‌های علمی و فقهی، در دوره‌ای دشوار مسئولیت سنگین ریاست قوه قضائیه جمهوری اسلامی را بر دوش داشتند و در همه حوادث و قضایای مهم دوران حیات مبارک امام راحل در شمار فعالان و خدمتگزاران برجسته کشور به شمار می‌رفتند. فعالیت‌های فرهنگی و تأسیس دبیرستان و دانشگاه نیز صفحات مهمی از زندگی پربار این عالم بزرگوار را تشکیل می‌دهد.

متضرعانه از خداوند متعال مسئلت می‌کنم که روح ایشان را مشمول رحمت و فضل خود قرار دهد و عمل صالح ایشان را مقرون اجر جزیل سازد و با اجداد طاهرینش محشور فرماید.

سیدعلی خامنه‌ای

۳ آذر ۱۳۹۵

جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای دکتر روحانی - ریاست جمهوری اسلامی ایران - هم نوشت:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ^۱

إِذَا مَاتَ الْمُؤْمِنُ الْفَقِيهَةُ تُلْمُ فِي الْإِسْلَامِ تُلْمَةً لَا يَسُدُّهَا شَيْءٌ^۲.

ارتحال مرجع گرانقدر عالم تشیع، عابد مجاهد و فقیه فرزانه، عالم عامل و معلم پرنفوذ نسل‌های حوزه و دانشگاه، حضرت آیت‌الله حاج سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، فقدانی بزرگ برای همه پویندگان راه علم و عمل و فقاقت و ولایت است.

آن یار ثابت قدم نهضت اسلامی و همراه صادق حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، از مراجع زمان و آگاه و ارکان علمی عرصه فقاقت و سیاست بود که عمر پربرت خود را با قبول مسئولیت‌های خطیر سیاسی، اجتماعی و قضایی در قبل و پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، در مسیر ترویج آموزه‌های ناب دین مبین اسلام و استحکام نظام اسلامی گذراند و با مشی اعتدالی خود، دل‌های بسیاری از جوانان و حق‌جویان جامعه را به بینش و منش اسلامی جذب کرد؛ و ضمن تألیف آثار ارزشمند شاگردان فراوانی را نیز در مسیر تحکیم مبانی دینی و رشد علمی و تربیتی پرورش داد.

اینجانب این ضایعه بزرگ را به محضر حضرت ولی عصر (عج)، رهبر معظم انقلاب، مراجع عظام و علمای اعلام، حوزه‌های علمیه، شاگردان ایشان در حوزه و دانشگاه، مردم قدرشناس ایران اسلامی به ویژه مردم غیور استان اردبیل و بیت مکرّم آن فقیه سعید بخصوص فرزندان فاضل و خدوم ایشان تسلیت می‌گویم و به مناسبت فقدان این سرمایه بزرگ علمی و معنوی، پنجشنبه و جمعه را عزای عمومی در

۱. سوره بقره، آیه ۱۵۶.

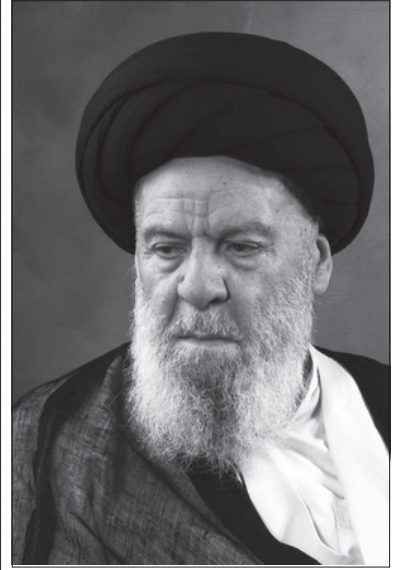
۲. کافی، ج ۱، ص ۲۸.

گرفت، به تربیت شاگردان، مخصوصاً در سطوح عالی حوزه و تربیت دانشجویان در دانشگاه مفید همت گماشت و همزمان به خلق آثار ارزنده‌ای پرداخت که یکی از سرمایه‌های ارزشمند فقه شیعه خواهند بود. دلسوزی ایشان نسبت به انقلاب و دفاع و حمایتشان از مردم به گونه‌ای بود که در تمام سال‌های پس از رحلت امام، به عنوان ناظری امین، از هیچ راهنمایی و هدایتی دریغ نمی‌کرد و همیشه تفکرات و گفتار و رفتارشان چراغ راه مسئولان در سطوح مختلف بود.

اینجانب با تسلیت این مصیبت به مردم ایران، مردم خطه آذربایجان، مردم استان اردبیل، رهبر معظم انقلاب، علما، مراجع، فضلا، طلبه‌های حوزه‌های علمیه و دانشجویان دانشگاه مفید، به ویژه خانواده و خاندان محترم، با فرزندان مکرم ایشان ابراز همدردی کرده و علو درجات آن سیدبزرگوار و همسنگر و مبارز قدیمی را از درگاه احدیت مسألت می‌نمایم.

اکبر هاشمی رفسنجانی

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام



آیت الله العظمی قمی

فقیه سترگ حضرت آیت الله العظمی آقای حاج سیدتقی طباطبایی قمی یکی از مراجع تقلید حوزه علمیه قم بود که آوازه‌اش در جهان تشیع طنین افکن است.

معظم له در ماه رجب ۱۳۴۱ق (اسفندماه ۱۳۰۱ش)، در مشهد مقدس، در بیت علم و فقاقت زاده شد. پدر بزرگوارش آیت الله العظمی حاج آقا حسین طباطبایی قمی (بن محمود، بن محمد، بن علی، بن محمد مهدی، بن محمدتقی، بن فضل الله، بن سراج الدین الثانی، بن محمدتقی، بن کمال الدین حسن) از اینجا نسب آیات عظام: سید محمد کاظم یزدی، سید محسن حکیم، سید حسین طباطبایی بروجردی و سید حسین طباطبایی قمی یکی می‌شود)، بن شهاب الدین علی، بن ابومحمد احمد، بن عباد، بن عماد الدین بن علی، بن ابی علی حمزه، بن شهاب الدین طاهر، بن ابوالحسن علی، بن ابوالحسن محمد الشاعر، بن ابی عبدالله احمد، بن ابی جعفر محمد الاصغر، بن ابی احمد، بن ابراهیم طباطبا، بن اسماعیل الدیباچ، بن ابراهیم الغمر، بن الحسن المثنی، بن الامام المجتبی الحسن، بن الامام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیهما السلام) بوده است. محدث قمی درباره او و پدرش می‌نویسد:

السید الکهف الاطل العامل المحقق والفاضل المدقق الورع البارع التقی الزکی، ثقة الإسلام، ملاذ الأنام، أبی المکارم والمحسن، حجة الاسلام سیدنا الحاج آقا حسین القمی الذی هو من اعظم فضلنا المتأهلین للثناء بكل جمیل، عادم العدیل وفاقد الزمیل، مسلماً تحقیقه فی الاصول، بل ما هرافی المعقول والمنقول، حسین الاسم، حسن الرسم والاخلاق، جید الخلق، طیب الخلق والاعراق، لم أر فی القدسیة الذات ثانیة ولا فی ملکة الصفات ملانیة، کأنه ما حبل الا بالرضا والتسلم، وما اتی الله الا بقلب سلیم بن السید الحسیب الجلیل، ذی الشرف الاصل، غزوة ناصیة العزة والجلال، و قدوة ارباب الشرف والکمال، الواصل الی رحمة ربه الودود، المرحوم المغفور الحاج سید محمود عطر الله مرقد و نور الله مضجعه»^۳.

نیای جدش آیت الله سید علی طباطبایی، از شاگردان میرزای قمی^۴ و عموهایش حضرات آیات: حاج

۳. محدث قمی، فوائد الرضویة، ص ۳.

۴. آقابزرگ تهرانی، کرام البررة، ج ۳، ص ۲۵.

سید ابوالقاسم قمی (م ۱۳۳۲) و حاج آقا احمد قمی (م ۱۳۳۳) و حاج سیدفخرالدین (م ۱۳۳۹) و شوهر خواهرش آیت الله سیدصدرالدین صدر (م ۱۳۷۳ق) بوده است.

گفتنی است:

حضرات آیات: حاج میرزا محمود روحانی قمی، حاج شیخ محمدتقی اشراقی قمی و حاج سیدعباس فقیه مبرقی و حاج شیخ عباس قمی هم دامادهای عموییش: حاج آقا احمد قمی بوده و حضرات آیات: سیدمحمد روحانی و سیدصادق روحانی، حاج میرزا علی محدث زاده و حاج میرزا محسن محدث زاده، حاج آقا شهاب اشراقی و حاج سیدمرتضی فقیه مبرقی هم، نوادگان دختری و حاج سیدمصطفی طباطبایی (داماد حاج شیخ عباس قمی) هم نواده پسرى حاج آقا احمد بوده‌اند.

مرحوم سیدعباس فقیه هم چند داماد داشته است که عبارتند از حضرات آیات: نجفی مرعشی، حاج شیخ عبدالله فاضل لنکرانی و حاج شیخ محمد کرمی اهوازی (که حضرات آیت الله العظمی فاضل لنکرانی و حاج آقا محمود مرعشی و حاج آقا ناصرالدین کرمی و حاج سیدمهدی لاجوردی هم پسرخاله بوده‌اند).

برادران او هم آیات معظم: حاج سیدحسن قمی، حاج آقا باقر قمی، حاج آقا مهدی قمی و حاج آقا محمد طباطبایی قمی - مؤسس مسجد عظیم طباطبایی (قم) و صحن و حرم مطهر حضرت سیدمحمد (سامراء) - و حضرات آیات: حاج آقا رضا صدر و حاج آقا موسی صدر، پسران خواهر او و آیات: سلطانی طباطبایی (ابوالزوجه مرحوم آقای حاج سیداحمد خمینی)، سیدمحمدباقر صدر، شیخ هادی عبادی، سیدمهدی صدرعاملی و دکتر علی اکبر صادقی (ابو الزوجه آقای سیدمحمد خاتمی) دامادهای خواهر او بوده‌اند.

معظم له تحصیلات نخستین را در مکتبخانه و خط را از کاتب الخاقان و تجوید را از شیخ محمد مازندرانی آموخت و در سال ۱۳۱۵ش (۱۳۵۵ق) - یک سال پس از تبعید پدر بزرگوارش از ایران به عراق - در کربلا به خانواده‌اش پیوست و تحصیل علوم دینی را آغاز کرد. نخست ادبیات را از مرحوم آیت الله شیخ یوسف شاهرودی و سطوح را هم از آیات: سیدمحمدهادی میلانی، سید ابوالقاسم خویی و شیخ یوسف شاهرودی آموخت و پس از آن به دروس خارج آیت الله میلانی راه یافت. در سال ۱۳۶۵ق رهسپار نجف اشرف شد و به دروس اساتید حوزه نجف، آیات عظام: شیخ محمدکاظم شیرازی، شیخ محمدعلی کاظمی خراسانی، سیدعبداله‌هادی شیرازی، شیخ حسین حلی و بیش از همه به دروس آیت الله العظمی خویی رفت و هم در درس فلسفه آیت الله شیخ صدرا بادکوبه‌ای حاضر شد و مبانی علمی اش را استوار ساخت و مورد توجه فراوان آیت الله خویی قرار گرفت و عضو هیئت استفتای معظم له گردید و از ایشان به دریافت اجازه اجتهاد نائل آمد.

آن مرحوم، علاوه بر تحصیل به تألیف و تدریس هم اشتغال داشت و یکی از فضلاء معروف حوزه نجف بود که در پی اخراج ایرانیان از عراق، در سال ۱۳۹۵ق، از نجف خارج و به حوزه علمیه قم آمد و به اقامه جماعت (در مسجد رفعت) و تألیف و تدریس و تبلیغ دین اشتغال ورزید و شاگردان بسیار در حوزه قم پرورش داد و بیش از ۴۰ سال دمی نیاسود و با کهولت سن به ترویج دین و احیای شعائر پرداخت. او بر اقامه مجالس اهل بیت - به ویژه امام حسین علیه السلام - پای می فشرد و خود در مجالس ابی عبدالله الحسین (ع) برهنه می شد و خود نوحه خوانی می کرد و بر سینه می زد.

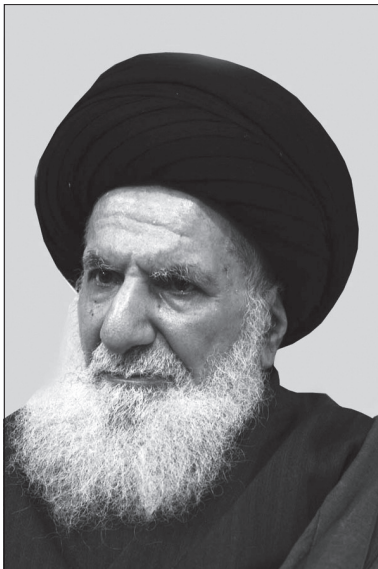
تألیفات معظم له عبارتند از:

مبانی منهج الصالحین (۱۰ ج) - شرح منهج الصالحین آیت الله خویی

مصباح الناسکین (۲ ج) - شرح مناسک حج آیت الله خویی

الغایة القصوی فی شرح العروة الوثقی (۶ ج): شرح کتاب‌های: اجتهاد و تقلید، صوم، خمس، نکاح، مضاربه، اجاره)

آرؤنا فی اصول الفقه (۳ ج)



الدرر و اللتالی فی فروع العلم الاجمالی
 عمدة الطالب فی التعليق علی مکاسب (۴ج)
 الانوار البهية فی القواعد الفقهية
 الدلائل فی شرح منتخب المسائل (۵ج) - «منتخب المسائل» از تألیفات پدر بزرگوارش است.
 ثلاث رسائل: العدالة، التوبة و لا ضرر
 هداية الأعلام الی شرائع الاسلام (کتاب القضاء و الشهادات)
 دراستنا من الفقه الجعفری (تقرير درس مکاسب او، به قلم: آقای علی مروّجی قزوینی)
 مباحث فقهية: الوصية الشركة، صلة الرحم
 درس هایی از شفاعت (تقرير درس ایشان، به قلم: آقای عباس حاجیانی دشتی)
 مجالس شب های شنبه (۶ج)
 شهید کربلا از قبل از ولادت تا بعد از شهادت
 امیرالمؤمنین (ع)
 حاشية العروة الوثقى

نخبة المقال فی تمیيز الاسناد والرجال (تقرير درس رجال معظم له به قلم: آقای عباس حاجیانی دشتی)
 آن مرحوم پس از عمری سرشار از توفیق و خدمت به دین، در ۹۴ سالگی، پس از اقامه مجالس عزای امام حسین (ع) در دهه اول محرم ۱۴۳۸ و زیارت عتبات عالیات در سحرگاه روز پنجشنبه ۶ آبان ۱۳۹۵ ش (۲۵ محرم الحرام ۱۴۳۸ق) در کربلای معلی چشم از جهان فروبست و به اجداد طاهرینش پیوست. با اعلام خبر وفاتش درس های حوزه های علمیه قم و نجف اشرف و مشهد مقدس در روز شنبه ۸ آبان تعطیل شد و پیام های تسلیت فراوان از سوی مراجع معظم تقلید صادر گردید و بیکر پاکش روز جمعه با تجلیل فراوان و با حضور برخی از مراجع تقلید نجف، در نجف اشرف تشییع و در حجره ۳۸ صحن حرم مطهر امیرالمؤمنین (ع) به خاک سپرده شد.

آیت الله العظمی سیستانی در پیام تسلیت خویش فرمود:

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله و انا اليه راجعون

خبر ارتحال فقیه بزرگوار حضرت آیت الله آقای حاج سیدتقی قمی طباطبایی قمی (قدس سره) موجب تألم و تأسّف فراوان گردید.

فقدان معظم له که از نمونه های برجسته علم و تقوی و حامیان مخلص مکتب اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) بود خسارتی بزرگ است.

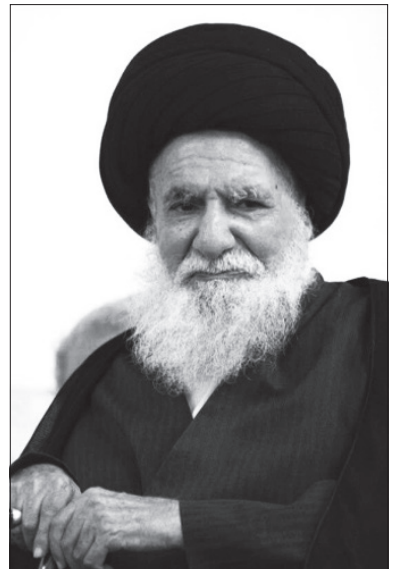
اینجانب ضایعه درگذشت آن عالم ربانی را به آستان مقدس حضرت بقیة الله اعظم (ارواحنا فداه) و به حوزه های علمیه مخصوصاً حوزه مقدسه قم و به آقا زادگان محترم و دیگر بستگان گرامی آن مرحوم و به عموم مؤمنین تسلیت و تعزیت عرض می نمایم و از خداوند متعال برای آن فقید سعید علو درجات و برای بازماندگان صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت دارم. و لاحول و لا قوه بالله العلی العظیم.

علی الحسینی السیستانی

و آیت الله العظمی صافی هم در پیام خویش فرمود:

بسمه تعالی

«إذا مات العالم الفقیه نلم فی الاسلام نلمه لایسدها شیء.»



با کمال تأسف و تأثر مطلع شدیم که فقیه اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السّلام)، مدافع حریم امامت و ولایت و شیفته و دلباخته حضرت سیدالشهداء (علیه السّلام)، مرجع عالیقدر حضرت آیت الله آقای حاج سیدتقی طباطبایی قمی (قدّس سرّه) دعوت حق را لبیک گفته و به دیار باقی شتافتند.

آن عالم برجسته خلف صالح مرجع و زعیّم بزرگ عالم تشیّع مرحوم آیت الله العظمی حاج آقا حسین طباطبایی قمی بود که عمر مبارک خود را در خدمت به مولا و سرور خود حضرت بقیة الله الاعظم (ارواح العالمین له الفداء)، اعلاى کلمه الله و ترویج معارف حقه اهل البیت (علیهم السّلام) سپری نمود و با تألیف کتاب های ارزنده فقهی و اصولی که نشان از دقت و امعان نظر و تحقیق عالمانه آن فقید سعید می باشد به حوزه های علمیه خدمت فراوان نمودند.

حقیر که از علاقمندان به ایشان و خاندان بزرگ طباطبایی قمی هستم بسیار در فقدان آن عالم ربانی متأثر شدم.

خوشا به سعادت ایشان که در کربلای معلی در جوار امام مظلومان و سالار شهیدان بعد از زیارت حضرات ائمه معصومین (علیهم السّلام) دعوت حق را لبیک گفت و میهمانی آن بزرگواران را پذیرفت.

عاش سعیداً و مات سعیداً

رحلت این فقیه عالی مقام را به ساحت مقدّس حضرت ولی الله الاعظم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و به حوزه های علمیه و شاگردان و بیت شریف بخصوص آفازاده فاضل و محترم ایشان تسلیت عرض نموده علو درجات آن فقید سعید را از خداوند متعال مسئلت دارم.

۲۵ محرم الحرام ۱۴۳۸

لطف الله صافی

استاد سعید عبدالستار حسنی در رثای او شعر سرود:

خطبٌ به عَرَتِ الشَّرِيعَةُ ثَلْمَةٌ	برحیل بحر علومها الطمطمام
ذاک الذی شاد (المبانی) موضحا	(منهاج) فقه (شرائع الاسلام)
و له ب (تنقیح المناط) کفایة	و مهارة في (النقض و الإبرام)
و الفکر یُخْلِذُ کل ممتاز به	مهما استطال تعاقبُ الايام
لأما بمعناه شدا من جَدُّه	قد صاعَ عَقَدَ جواهرٍ لکلام
(لُغز الحیاة و حَیرة) الافهام	(أَن یستحیل الفکر محضَ) رَغام
ولذاک قد حَلَّدَ التقی فِذِکْرُهُ	باقٍ و غرض عطائِهِ هو نام
لکن رُزَّ غیابه قد هدَّ مِن	صرحِ الثقی مدارکُ الاحکام

نیروگرفتن از غم‌های بزرگ

مریم محمدخانی

کارشناس ارشد ادبیات فارسی دانشگاه تهران

اسم **توران میرهادی** که بیاید، به دنبالش چند نام در ذهن مخاطب تداعی می‌شود: مدرسه‌ی فرهاد، شورای کتاب کودک، فرهنگ‌نامه کودک و نوجوان و ...

نهادهایی که پیش از این، افراد بسیاری از نقش و تأثیرگذاری آن نه تنها در حوزه کودک و نوجوان که در حوزه فرهنگ ایران زمین گفته و نوشته‌اند. حرف‌هایی که از تجربه ارزشمند کودکان فرهاد و وارد کردن الگوهای نو در نظام آموزش و پرورش ایران، تأثیر شورای کتاب کودک با حضور نیم‌قرن‌اش در فضای ادبیات کودک و نوجوان و کار سترگ فرهنگ‌نامه می‌گویند. تجربه‌هایی بی‌نظیر که هنوز پس از سال‌ها، مراجعه به روند شکل‌گیری و فعالیت‌هایشان درس‌هایی تازه دارد.

در این یادداشت قصد دارم به دنبال نخ تسبیحی بگردم که این نهادها را به هم پیوند داد و در رأس آنها نام توران میرهادی را در تاریخ فرهنگ و ادبیات این سرزمین جاودانه کرد.

شاید برای شناسایی این نخ تسبیح بتوان از مرور زندگی توران میرهادی کمک گرفت. زندگی‌ای که در ۲۵ خرداد ۱۳۰۶ آغاز شد. مادر توران میرهادی، اهل آلمان بود، زنی هنرمند که با مردی ایرانی ازدواج کرده بود و به ایران آمده بود. توران میرهادی در گفت‌وگوهای مختلفی از تأثیر مادرش بر زندگی و اندیشه‌اش حرف می‌زند. آشنایی با هنرهایی چون مجسمه‌سازی و نقاشی، انس با ادبیات و فراگیری زبان آلمانی از تجربه‌های کودکی توران میرهادی به واسطه‌ی مادرش است. اما شاید مهم‌ترین نکته در زندگی توران میرهادی که باعث شکل‌گیری تمام فعالیت‌هایش در سراسر زندگی پربارش شد، رشته‌ی تحصیلی اوست. آشنایی با افرادی چون **جبار باغچه‌بان** و **محمدباقر هوشیار**، در دوران تحصیل، باعث شد که توران میرهادی به حوزه‌ی آموزش و پرورش علاقه‌مند شود. این علاقه باعث شد پس از انصراف از رشته‌ی طبیعی در دانشکده علوم دانشگاه تهران، به فرانسه برود تا تحصیلات خود را در رشته‌ی علوم تربیتی و روانشناسی پیش دبستان و ابتدایی در پاریس ادامه دهد. مواجهه با اروپای پس از جنگ جهانی دوم، حضور در کلاس‌های درس دانشگاه **سوربن** و مواجهه با نمایشگاه‌ها و موزه‌های مختلف اروپایی از تجربه‌های این دوران است.

توران میرهادی پس از پایان تحصیلاتش در سال ۱۳۳۰ به ایران بازگشت؛ چرا که: «برای من تصور برنگشتن وجود نداشت. آن قدر به مردم و سرزمینم عشق می‌ورزیدم و آن قدر معتقد بودم که باید توان خود را در راه پیشرفت آن به کار بگیرم که رفتن و برنگشتن قابل تصور نبود».^۱ (گفت‌وگو با زمان، صفحه ۲۲)

۱. میرعلایی، مسعود؛ گفت‌وگو با زمان (مجموعه گفت‌وگوهای توران میرهادی)؛ تهران: مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان، ۱۳۹۲.

میرهادی در سال ۱۳۳۴ کودکستان فرهاد را به یاد برادر از دست رفته‌اش تأسیس کرد. چرا که به گفته‌ی او: «مادرم به ما آموخته بود که از غم‌های بزرگ نیرو بگیریم و احساس درد شدید خود را در کاری ارزشمند و خیرخواهانه و با هدفی والا بیان کنیم». (گفت‌وگو با زمان، صفحه ۲۱)

با مرور فعالیت‌هایی که در این کودکستان انجام می‌شد، به نقش پررنگ هنر و ادبیات در آموزش برمی‌خوریم؛ چرا که توران میرهادی به این نکته باور داشت که هنرمندان افرادی هستند نزدیک به وجود واقعی کودکان و فعالیت‌های هنری برای کودک زمینه‌ای نامحدود است برای اکتشاف طبیعت، انسان‌ها، شکل‌ها، رنگ‌ها و ... (گفت‌وگو با زمان، صفحه ۱۵۰)

باور به همین نقش بود که منجر به تأسیس شورای کتاب کودک در سال ۱۳۴۱ شد. توران میرهادی با شروع کار در کودکستان فرهاد متوجه فقر منابع مطالعاتی برای کودکان پیش از دبستان و دبستان شده و همین احساس نیاز است که باعث می‌شود او در کنار مرتضی ممیز، لیلی ایمن‌آهی، عبدالرحیم احمدی و ماه فریده آدمیت هیئت مؤسس پنج‌نفری شورای کتاب کودک را تشکیل دهند تا بر ادبیات کودک و نوجوان متمرکز شوند.

استفاده از ادبیات و نقش پررنگ کتاب‌خوانی در آموزش است که تجربه کودکستان فرهاد را به شورای کتاب کودک پیوند می‌دهد. به گفته دانش‌آموختگان فرهاد، این مرکز دارای کتابخانه مجهزی برای دانش‌آموزان بوده و طبق برنامه‌ای معین دانش‌آموزان را به خواندن علاقه‌مند کرده است. این کتابخانه فعالیت خود را محدود و با پنجاه جلد کتاب آغاز می‌کند، آن هم با کمک کتاب‌هایی که دانش‌آموزان از خانه آورده بودند تا با ردوبدل کردن آن با دوستان‌شان به کتاب‌هایی تازه دست پیدا کنند. این کتاب‌خانه در طول زمان گسترش پیدا می‌کند و در سه سال صاحب پانصد جلد کتاب می‌شود. همچنین دانش‌آموزان خود به ساخت کتاب می‌پرداختند و با نقاشی، جمع‌آوری اطلاعات و ... کتابی تألیفی می‌ساختند؛ کتاب‌هایی که در کنار هم قراردادن بعضی از آنها با موضوعی واحد، خود یک فرهنگ‌نامه کودک و نوجوان می‌ساخت. کمبود منابع مخصوص کودک و نوجوان که دانش‌آموزان هنگام مطالعه و تحقیق بتوانند از آن استفاده کنند، موضوعی بود که میرهادی و همکارانش را بر آن داشت که علاوه بر هدایت دانش‌آموزان برای تولید کتاب مرجع، به جای خالی فرهنگ‌نامه مخصوص کودکان و نوجوانان هم فکر کنند و برای جبران این خلأ تلاش کنند.

این موضوع، یعنی تشویق کردن دانش‌آموزان که در کنار خواندن به نوشتن هم بپردازند و این نوشتن را به داستان و شعر محدود نکنند و در حوزه‌هایی مانند نوشتن کتاب مرجع هم وارد شوند، اثر عمیقی بر کتاب‌خوان‌تر کردن دانش‌آموزان داشت. خلاق‌تر کردن بچه‌ها و سهیم کردن آنها در شکل‌گیری و اداره کتابخانه از جمله تجربیات ارزشمند این کتابخانه آموزشی است.

میرهادی معتقد بود آشنایی صحیح با هنر و فرهنگ هر سرزمین، اثر تربیتی عمیقی بر کودکان می‌گذارد و با همین نگاه بود که هنر و ادبیات را به آموزش و پرورش پیوند داد. جدی‌گرفتن نقش مطالعه در روند آموزش و پرورش و اختصاص دادن یک ساعت از برنامه‌های کلاسی مدرسه به مطالعه با برنامه‌ای مشخص و معین، باعث رونق کتابخانه مدرسه و مراجعه مداوم بچه‌ها به آن شد.

نگاه مدرن میرهادی به مقوله آموزش و پرورش که علاوه بر تجربه‌های زندگی شخصی، حاصل تحصیل در اروپا بود، باعث شد که کودکستان فرهاد تبدیل به کودکستانی پویا شود که در کنار چند مدرسه دیگر سردمدار نگاه نو به آموزش و پرورش در ایران شود.

شاید با مرور این تجربه‌ها به نکته‌ای برسیم که حلقه مفقوده آموزش و پرورش امروز ایران باشد. نادیده گرفتن بخش پرورش و پررنگ کردن بخش آموزش. در نظر بگیرید که حدود هفتاد سال پیش مدارس در



ایران پا گرفتند که برای مطالعه ساعتی مخصوص داشتند و حتی برای تقویت این نگاه، نهادهای دیگری نیز تأسیس شدند که با تحقیق و پژوهش در زمینه ادبیات کودک، کتاب‌های مناسبی برای این گروه سنی معرفی کنند.

هر چند شاید امروز به واسطه ترجمه و آشناسدن با نظریات جدید، اقتضائات زمانه و زندگی مدرن و دلایل متعدد دیگر نگاه پژوهشگران و منتقدان به ادبیات کودک با نگاهی که سال ۱۳۴۱ در شورای کتاب جریان داشت متفاوت باشد، اما هنوز هم نگاه توران میرهادی به مقوله آموزش و پرورش نگاهی پیشروست. نگاهی که ادبیات و هنر را در نه در خدمت آموزش که به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر آن تلقی می‌کند، کودک را خلاق و مولد می‌داند و نه روی تبدیل کردن او به یک ربات که روی بایدن، آموزش مهارت‌های اجتماعی و تقویت فضائل انسانی انگشت می‌گذارد. با این نگاه ادبیات اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند و از طریق آن می‌توان احساس، فکر، دقت و قدرت تشخیص کودک را بالا برد و برای او امکان پیشرفت مادی و معنوی و کارکردن در راستای منافع عمومی و آرمان‌های انسانی را فراهم کرد؛ چون «هنرمند سعی دارد نیروی بالقوه رسیدن به والاترین عقاید و ارزش‌های شخصی را در کودکان زنده نگه دارد». (گفت‌وگو با زمان، صفحه ۳۸)

امروز در مدارس ما تا چه حد به این نکته توجه می‌شود؟ تجهیز کتابخانه‌های مدارس، تشویق دانش‌آموزان به کتاب‌خوانی و ... نه در حرف که در عمل تا چه حد ارزش تلقی می‌شود؟

کتابخانه‌های مدارس راحت‌ترین و امن‌ترین مکانی است که می‌تواند امکان دسترسی به کتاب‌های خوب و مناسب را برای دانش‌آموزان فراهم کند. اختصاص دادن زنگی برای کتاب‌خوانی، عادت دادن دانش‌آموزان به خواندن، استفاده از روش‌هایی مثل قصه‌خوانی، اجرای نمایش‌نامه و ... در ترویج کتاب‌خوانی و سپردن مسئولیت به کودکان در کتابخانه از تجربیاتی است که سال‌ها قبل در مدرسی چون فرهاد اجرا شده و نتایجی موفقیت‌آمیز داشته است؛ چیزی که در نظام آموزش و پرورش امروز ما نقطه‌ای دور از دسترس به نظر می‌رسد.

شاید مرور این تجربیات و به‌کارگیری آنها کمترین کاری است که بشود در ادامه‌دادن راه توران میرهادی انجام داد. کسی که سال‌های متمادی زندگی خود را وقف کودکان و نوجوانان این سرزمین کرد و تلاش کرد دنیای اطرافش را بهتر از چیزی که هست بسازد.